

قواعد رفتاری ارکان اخوانیات در ادب فارسی؛ با تأکید بر عناصر تزئینی اخوان‌نگاری خاقانی

چکیده

یکی از انواع ادب غنایی، اخوانیات است. اخوانیات، نامه‌های خصوصی و دوستانه‌ای است که توسط دبیران و منشیان برای دوستان و آشنایان نوشته یا سروده می‌شد. نخستین متون اخوانی که پس از اسلام به دست ما رسیده است، به قرن پنجم هجری بازمی‌گردد. نثر و نظم فارسی در گذر زمان و در ادوار مختلف به لحاظ سبک و شیوه بیان، تغییرات قابل توجهی را به خود دیده است و این تغییرات در سبک و انشاء و ساختار اخوانیات نیز تأثیرگذار بوده است. این پژوهش در نظر دارد ساختار ارکان اخوانیات منثور و منظوم فارسی را از میانه قرن پنجم تا دوره معاصر به اجمال بررسی کرده و سیر تطور ارکان اصلی و فرعی اخوانیات را مورد ارزیابی قرار دهد. روش انجام کار براساس تحقیقات کتابخانه‌ای صورت گرفته است. نتیجه حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که در ساختار اخوانیات منثور و منظوم فارسی از گذشته تا به امروز تغییرات چشمگیری حاصل شده است. متقدمین به الگوهای ارائه شده بسیار پایبند بوده‌اند و متأخرین تا حدود زیادی خود را از قیدوبند ساختار و ارکان نامه‌ها خارج کرده‌اند. همچنین، شاعران در سرودن اخوانیات منظوم به دلیل محدودیت‌های قالب‌ها و ساختمان شعری الزام کم‌تری به رعایت ارکان اصلی و فرعی اخوانیات داشتند.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی ساختار ارکان اخوانیات منثور و منظوم فارسی از میانه قرن پنجم تا دوره معاصر.
۲. بررسی سیر تطور و تحول در اخوانیات از میانه قرن پنجم تا دوره معاصر.

سوالات پژوهش:

۱. ساختار ارکان اخوانیات منثور و منظوم فارسی از میانه قرن پنجم تا دوره معاصر چگونه است؟
۲. سیر تطور و تحول در اخوانیات از میانه قرن پنجم تا دوره معاصر چگونه بوده است؟

کلیدواژه‌ها: اخوانیات، نثر، نظم، ساختار، سیرت طور.

مقدمه

مکاتیب و ترسلات از موضوعات مهم و مورد توجه نویسندگان تاریخ و علوم فارسی و عربی بوده است. از مکاتیب و ترسلات ایران قبل از اسلام، اطلاعات چندانی در دست نیست اما در کتب مورخان عرب به مکاتیب ایرانی پیش از اسلام زیاد توجه شده و فراگرفتن آن را برای علاقه‌مندان به فن نثرنویسی لازم دانسته‌اند. با تشکیل دیوان رسالت در دربار امرای ایرانی، دبیران و منشیان زیادی به فراگیری فن دبیری و کار در این تشکیلات مشغول شدند. نثر منشیانه در ادبیات ما تنها از طریق تمرین سبک آموخته می‌شد. به همین دلیل کتاب‌هایی مانند التوسل الی الترسل، عتبه‌الکتبه، دستورالافاضل، چندان به بیان قواعد و آموزش روش‌ها و شیوه‌ها نمی‌پرداختند، بلکه با آوردن بهترین نمونه‌های مکتوبات، سبک را به نویسندگان می‌آموختند (فتوحی، ۱۳۹۵: ۱۳۸). نامه‌ها و مکاتیب فارسی را به‌طور کلی می‌توان به دو دسته رسمی و شخصی تقسیم کرد. مشهورترین نامه‌ها و مکاتبات رسمی عبارت‌اند از: سلطانیات، منشورها و فرامین، عهدنامه‌ها، فتح‌نامه‌ها، شکست‌نامه‌ها و سوگندنامه‌ها. نامه‌ها و مکاتبات شخصی و خصوصی نیز با نام اخوانیات مشهور است. گرچه اخوانیات جزو نامه‌های رسمی و اداری محسوب نمی‌شود، اما نویسندگان آن نامه‌ها خود را ملزم به رعایت ارکانی می‌کردند که در بسیاری از اخوانیات مشترک است و ارکان اصلی محسوب می‌شود. این ارکان عبارت است از: رکن صدر مکتوب، رکن شرح اشتیاق و رکن خاتمه مکتوب.

علاوه بر ارکان اصلی، ارکان دیگری نیز در اخوانیات مشاهده می‌شود که جای مشخصی در نامه نداشته، بنا به سلیقه نویسنده مکتوب، گاه حذف می‌شده است. این بخش از مکتوبات را می‌توان ارکان فرعی اخوانیات نام نهاد که عبارت‌اند از: الف - اعلام وصول نامه، ب - سلام و تحیت، ج - اخبار از سلامت خود و بستگان و استخبار از سلامت کسان و خویشان مکتوب الیه، د - ذکر انتظارات (خطیبی، ۱۳۶۶: ۴۲۳). سیر تطور ساختار اخوانیات منثور و منظوم فارسی، موضوعی است که کمتر مورد توجه و پژوهش محققان و پژوهشگران قرار گرفته است. باتوجه‌به سابقه طولانی اخوانیات در ادب فارسی، شایسته است که تحقیق جامعی در این زمینه انجام شود.

هدف این پژوهش، بررسی اجمالی سیر تطور ساختاری اخوانیات منثور و منظوم فارسی از میانه قرن پنجم تا دوران معاصر است. گرچه از میانه قرن پنجم هجری تاکنون نمونه‌های زیادی از اخوانیات به‌جا مانده است؛ متأسفانه به این گونه ادبی توجه چندانی نشده است و چه‌بسا برای بسیاری از ادب‌دوستان که تخصص دانشگاهی در زمینه ادبیات ندارند، اخوانیات کاملاً ناشناخته باشد. در بررسی‌ها و جست‌وجوهایی که انجام شد، مشخص گردید که تعداد کتب و مقالاتی که صرفاً به اخوانیات فارسی پرداخته باشند، بسیار محدود و انگشت‌شمار است و جای خالی تحقیقات علمی در این زمینه به‌شدت احساس می‌شود.

در جست‌وجوی کتاب‌ها، مقالات و بانک‌های اطلاعاتی مرتبط، هیچ اثری که مستقلاً به بررسی جزئیات ساختاری ارکان اخوانیات منثور و منظوم و تحولاتی که در ادوار مختلف در آن ایجاد شده، یافت نشد. بعضی از آثار فقط به جمع‌آوری نمونه‌های اخوانیات نثر یا نظم پرداخته‌اند و بعضی از آثار، اخوانیات فرد یا افراد خاصی را به لحاظ محتوایی یا ساختاری مقایسه کرده‌اند. به‌عنوان مثال: حسین خطیبی در کتاب فن نثر (۱۳۶۶) سیر تطور ترسلات فارسی را تا قرن هفتم هجری بررسی کرده است و بخشی از این بررسی، به اخوانیات پرداخته است. مشفق کاشانی در کتاب خلوت انس (۱۳۶۸) به جمع‌آوری نمونه‌های اخوانیات منظوم شعرای معاصر پرداخته و هیچ بررسی و تحلیلی درباره ساختار اخوانیات مذکور، انجام نداده است. سید وهاب قیاسی در کتاب مکاتبات منثور و منظوم شعرا و فضایی نامی ایران (۱۳۹۴) به جمع‌آوری سلطانیات و اخوانیات فارسی از قرن پنجم تا دوره معاصر پرداخته است.

منصور رستگار فسایی در کتاب انواع نثر فارسی (۱۳۸۹) فصلی را به نثر نامه‌ها و ترسلات اختصاص داده است و معرفی کوتاهی را به اخوانیات اختصاص داده است. در زمینه ادبیات غنایی که محور اصلی این مقاله هست، تحقیقات دیگری هم انجام شده است از جمله: آهن‌جان و همکاران در مقاله‌ای به تأثیرپذیری حافظ از خواجهی کرمانی در مضامین مصور عاشقانه و عارفانه، براساس نظریه بینامتنیت ژرار ژنت پرداخته‌اند (آهن‌جان و همکاران، ۱۴۰۱). غلامزاده نیکجو و همکاران نیز در مقاله‌ای، مفاهیم غنایی منظومه مجنون و لیلی امیر خسرو دهلوی را با تأکید بر جلوه‌های مادی معشوق در تطبیق با لیلی و مجنون مصور خمسه نظامی بررسی و تحلیل کرده‌اند (غلامزاده نیکجو و همکاران، ۱۴۰۰). طالبی و همکاران در تحقیقی، تصویرسازی منظومه‌های غنایی در تطبیق با نگاره‌های خمسه شاه‌طهماسبی (با تأکید بر چهار منظومه: سلیم و سلمی، فیروز و نسرین، نل و دمن، ناز و نیاز) را بررسی کرده‌اند (طالبی و همکاران، ۱۳۹۹).

روش پژوهشی در این اثر به شیوه توصیفی و تحلیلی و براساس مطالعات کتابخانه‌ای است. کتاب‌ها، مقالات و بانک‌های اطلاعاتی مرتبط با موضوع، بررسی شده و شواهد کافی استخراج گردیده تا به‌عنوان ویژگی‌های ساختاری در ارکان اخوانیات مورد ارزیابی قرار گیرد. شایان ذکر است که متون مورد استفاده در این پژوهش، عمدتاً از نمونه‌ها و منابع مستند در کتاب (مکاتبات منثور و منظوم شعرا و فضلالی نامی ایران)، تدوین سید وهاب قیاسی انتخاب شده است.

نتیجه‌گیری

در بررسی ساختار ارکان اصلی و فرعی اخوانیات منثور و منظوم فارسی نتایج ذیل حاصل می‌شود: می‌دانیم که نثر فارسی در قرن ششم و هفتم، نثر فنی است و این نثر که متأثر از بلاغت و صناعات ادبیات عربی است؛ با انواع صناعات لفظی و معنوی و آرایش کلام و انواع سجع و اطناب و امثال و اشعار بیان می‌شود و نثر شکل شاعرانه‌ای به خود می‌گیرد. مترسلان در این دوره تابع نثر فنی هستند و در اخوانیات این دوره نشانه‌های نثر فنی را در عتبه‌الکتابه و التوسل الی التوسل و منشآت خاقانی به‌وضوح می‌توان دید. در اخوانیات آثار ذکر شده، نویسندگان، خود را به رعایت تمامی ارکان اصلی و فرعی نامه کاملاً پایبند دانسته، مختصات فنی را بشدت رعایت کرده و در کاربرد کلمات و عبارات عربی و فارسی، آنچه را که دل‌پذیرتر و مطلوب‌تر و متناسب حال مخاطب نامه بوده انتخاب می‌کردند. به این ترتیب بار عاطفی مکتوبات بسیار قوی بود و به همین دلیل در این دوران، کم‌تر اخوانیه‌ای را خالی از ارکان اصلی و فرعی می‌بینیم. اخوانیات خاقانی در این مورد، مثال‌زدنی است.

اخوانیات منظوم در این دوران بیشتر در قالب قصیده و قطعه سروده شده است و به دلیل محدودیت‌های شعری، سراینده‌گان، خود را چندان مقید به رعایت تمام ارکان اخوانیات نمی‌کردند؛ همان‌طور که در نمونه‌های ذکر شده مشاهده می‌شود، در اخوانیه‌های این دوران، ارکان شرح اشتیاق، اعلام وصول نامه، دعای خاتمه مکتوب و آرزوی دیدار نسبت به سایر ارکان، بیشتر به‌کار رفته است.

در قرن هشتم و نهم هجری، دوره تیموری، گرایش نویسندگان و مترسلان بیشتر به سمت نثر متکلف و مصنوع است و این شیوه نثر در اخوانیات کاملاً مشهود است و نشانه‌های ضعف ادبی و سستی نثر در این دوران به‌شدت دیده می‌شود. کم‌تر نویسنده‌ای چون عبدالرحمن جامی در اخوانیات خود همچنان به نثر فنی پایبند است و در رقعات و اخوانیات او به‌هم ریختگی صرف و نحو و رکاکت لفظ و معنی دیده نمی‌شود. او در اخوانیات، نثر دلنشین

صوفیانه را شبیه به آنچه که در نامه‌های مولوی به کار رفته، با نثری مشابه گلستان سعدی درهم می‌آمیزد و حاصل کار او به دل می‌نشیند، اما در منشآت معین‌الدین میبیدی که همدوره جامی است، چه در رقع‌ها و چه در اخوانیات، سجع‌ها و ترصیع‌های ملال‌آور و اطناب‌های پی‌درپی و کلمات و عبارات ناشناخته عربی فراوانی دیده می‌شود که کلام را به شدت مصنوع جلوه می‌دهد. اخوانیات منظوم این دوران گرچه اندک است، بیشتر در قالب قطعه، قصیده، مثنوی و گاه غزل و رباعی است و در اخوانیات جامی نمونه‌های آن دیده می‌شود. در اخوانیات نثر این دوره نیز نویسندگان کمابیش به رعایت ارکان اصلی و فرعی پایبند بوده و حتی الامکان آن را رعایت می‌کردند.

در دوره صفویه، از قرن دهم تا دوازدهم، اخوانیات منثور زیادی به چشم نمی‌خورد، زیرا مترسلان، بیشتر به آموزش شیوه‌های ترسل و انشاء می‌پرداختند. رقع‌های حکیم ابوالفتح گیلانی نمونه بارز نثر مکاتیب این دوره است که همچنان به شیوه دوره تیموری بوده و الفاظ دشوار و مفاهیم پیچیده و صناعات بدیعی را به فراوانی در نثر به کار می‌برد. التزام و پایبندی به رعایت ارکان، در اخوانیات منثور این دوره کم شده و به رکن اصلی و خاتمه مکتوب بیشتر توجه می‌شود. اخوانیات منظوم در دوره صفوی افزایش یافته و شاعرانی چون هاتف اصفهانی، آذر بیگدلی و صباحی بیدگلی اخوانیهایی در قالب‌های قصیده، قطعه، غزل و رباعی سروده‌اند. آن‌ها در قصاید و قطعات، تا حدود زیادی به رعایت ارکان اخوانیات پایبند بوده‌اند و در سایر قالب‌ها به دلیل محدودیت تعداد ابیات، همه ارکان را ذکر نمی‌کردند.

اخوانیات دوره قاجار را به لحاظ ساختاری باید به دوره قبل و بعد از مشروطه تقسیم کرد. زبان اخوانیات در هر دو دوره، ساده و روان است، نهضت ساده‌نویسی که قائم‌مقام فراهانی پیش از دیگران به آن توجه کرد تأثیر فراوانی بر ساختار زبانی اخوانیات و سایر منشآت گذاشت. یغمای جندقی بیش از دیگران به پارسی سره توجه کرد و سره‌نویسی را در بسیاری از نامه‌های خود مراعات کرد. به سبب حال و هوای مشروطه‌خواهی و فزونی آگاهی‌های سیاسی مردم، محتوای اخوانیات کم‌کم بر ساختار غلبه کرد و ارکان اخوانیات تا حدود زیادی تحت تأثیر نهضت ساده‌نویسی قرار گرفت. در اخوانیه‌های یغمای جندقی و قائم‌مقام فراهانی گرچه شیوه نثر مسجع آشکار است اما کاربرد لغات نا مأنوس عربی به شدت کاهش یافت. امیرنظام گروسی بیش از قائم‌مقام، به ساده‌نویسی گرایش پیدا کرد و نثری سهل و ممتنع از خود به جا گذاشت. شاید بتوان گفت که آخرین مکاتیب اخوانی منثور که در آن‌ها همچنان به ارکان اصلی و فرعی توجه شده و شیوه‌های ترسل و انشاء گذشتگان را در نظر می‌گرفتند، مربوط به این دوره باشد و پس از آن دیگر خبری از منشآت و مکاتیب و ترسلات نیست. دوره مشروطه رستاخیز و تجدیدی را در فرهنگ و ادبیات فارسی به وجود آورد که با ادوار گذشته تفاوت بنیادین داشت. رسانه‌ها، آگاهی مردم را در تمام سطوح سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و تاریخی افزایش داد و نثر و نظم را که تا آن دوره عمدتاً در خدمت دربار بود، به میان مردم آورد. سادگی و روانی که ویژگی ممتاز نثر و نظم این دوره بود به مکاتبات و ترسلات نیز سرایت کرد و ارکان و ساختمان نامه‌های دوستانه را به کلی به هم ریخت. از آن روزگار به بعد در اخوانیات منثور، ارکان اصلی و فرعی به شیوه منشآت قدیم دیگر دیده نمی‌شود. ابراز محبت و شرح اشتیاق با سبک جدید بیان می‌شود؛ تعارفات کلیشه‌ای و تکراری رنگ می‌بازد و سادگی، بر لطف کلام می‌افزاید و تأثیر آن را بیشتر می‌کند. محتوای نامه‌ها بر ساختار غلبه می‌کند و نویسندگان بیش از آن که خود را درگیر ساختار و ارکان کهن اخوانیات کنند، به محتوا اندیشیدند. نامه‌های علامه دهخدا، عارف قزوینی، ملک‌الشعراى بهار و... از این دست است.

شعر سنتی این دوران، برخلاف نثر تا حدود زیادی همچنان به ارکان اخوانیات پایبند است و در اخوانیه‌های ملک‌الشعرا بهار، ادیب‌الممالک فراهانی، محمود فرخ، ادیب‌السلطنه سمیعی، نیما یوشیج، خلیل‌الله خلیلی، بدیع‌الزمان فروزانفر و... بسیاری از ارکان اخوانیات قابل مشاهده است. اما در اشعار نو دیگر خبری از ارکان اخوانیات نیست و اگر رکنی دیده شود بسیار کم‌رنگ است و ممکن است در قالب شرح اشتیاق یا دعای خاتمه‌مکتوب و یا آرزوی دیدار ذکر شود. اغلب اشعار نوی که سید وهاب قیاسی در کتاب «مکاتبات منثور و منظوم شعرا و فضلالی نامی ایران» به‌عنوان اخوانیات ذکر کرده است؛ به این دلیل در زمره اخوانیات قرار گرفته‌اند که شاعر آن را برای دیگری سروده و تقدیم کرده است و احیاناً مخاطب نیز با شعری به آن پاسخ گفته است. اگر با این دید به اشعار مذکور نگاه شود و تغییرات و تحولات نهضت ساده‌نویسی و انقلاب شعر نو در نظر آورده شود؛ علی‌رغم نبود ارکان اصلی و فرعی، می‌توان چنین اشعاری را در زمره اخوانیات به حساب آورد.

فهرست منابع و مآخذ:

- آهن‌جان، فیروزه و همکاران. (۱۴۰۱). «تأثیرپذیری حافظ از خواجوی کرمانی در مضامین مصور عاشقانه و عارفانه، براساس نظریه بینامتنیت ژرار ژنت». هنر اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۴۶، ۳۹-۵۶.
- اصفهانی، هاتف. (۱۳۶۲). دیوان هاتف اصفهانی. به کوشش محمد عباسی، تهران: چاپخانه دوستی.
- بغدادی، بهاء‌الدین محمدبن مؤید. (۱۳۸۵). التوسل الی التوسل. به تصحیح استاد احمد بهمنیار، تهران: اساطیر.
- بلخی، جلال‌الدین. (۱۳۵۶). مکتوبات مولانا جلال‌الدین. احمد رمزی، تهران: چاپخانه اسلامبول.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۸۷). دیوان اشعار ملک‌الشعرا بهار. چاپ دوم، تهران: نگاه.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۹). انواع نثر فارسی. چاپ دوم، تهران: سمت.
- راوندی، مرتضی. (۱۳۸۲). تاریخ اجتماعی ایران. جلد ۸، چاپ دوم، تهران: نگاه.
- جوینی، منتجب‌الدین بدیع‌اتابک. (۱۳۲۹). عتبه‌الکتبه. به تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال، تهران: شرکت سهامی چاپ.
- خطیبی، حسین. (۱۳۶۶). فن نثر در ادب فارسی. چاپ اول، تهران: زوار.
- جامی، نورالدین عبدالرحمن بن احمد. (۱۳۷۸). به تصحیح عصام‌الدین اورون بایف و اسرار رحمانوف، تهران: میراث مکتوب.
- حائری، سید هادی. (۱۳۶۴). عارف قزوینی، شاعر ملی ایران. تهران: جاویدان.
- خاقانی، افضل‌الدین بدیل‌بن‌علی. (۱۳۶۲). منشآت. به تصحیح محمد روشن، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- خاقانی، افضل‌الدین بدیل‌بن‌علی. (۱۳۴۶). مجموعه نامه‌های. تصحیح سید ضیاء‌الدین سجادی، تهران: انتشارات دانشسرای عالی دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- خاقانی، بدیل‌الدین بن‌علی. (۱۳۷۳). دیوان خاقانی شروانی به تصحیح سید ضیاء‌الدین سجادی، چاپ چهارم، تهران: زوار.
- سنایی غزنوی، مجدودبن آدم. (۱۳۸۸). دیوان حکیم ابوالمجد. به تصحیح مدرس رضوی، چاپ هفتم، تهران: سنایی.
- سعد سلمان، مسعود. (۱۳۳۹). دیوان مسعود سعد سلمان. به تصحیح رشید یاسمی، تهران: پیروز.
- صباحی بیدگلی. (۱۳۶۵). به کوشش احمد کرمی، چاپ اول، تهران: ما.

طالبی، مرتضی؛ قاری، محمدرضا و داوودآبادی فراهانی، محمدعلی. (۱۳۹۹). «تصویرسازی منظومه‌های غنایی در تطبیق با نگاره‌های خمسه شاه‌طهماسبی (با تأکید بر چهار منظومه: سلیم و سلمی، فیروز و نسرین، نل و دمن، ناز و نیاز). هنر اسلامی، ۱۷(۳۹)، ۲۵۵-۲۴۴.

فتوحی، محمود. (۱۳۹۵). سبک‌شناسی نظریه‌ها. چاپ سوم، تهران: سخن.

فراهانی، قائم‌مقام. (بی‌تا). منشآت قائم‌مقام. گردآورنده شاهزاده معتمدالدوله حاج فرهادمیرزا، تهران: کتابفروشی علمیة اسلامیة.

قیاسی، سید وهاب. (۱۳۹۴). مکاتبات منثور و منظوم شعرا و فضایل نامی ایران (اخوانیات و سلطانیات). چاپ اول، تهران: صراط.

قزوینی، قزوینی. (۱۳۹۰). نامه‌های عارف قزوینی. به کوشش مهدی نورمحمدی، چاپ اول، تهران: نگاه.

غلامزاده نیکجو، پریسا؛ کوشان، ایوب و امانی، رستم. (۱۴۰۰). «مفاهیم غنایی منظومه مجنون و لیلی امیر خسرو دهلوی با تأکید بر جلوه‌های مادی معشوق در تطبیق با لیلی و مجنون مصور خمسه نظامی». هنر اسلامی، ۱۸(۴۳)، ۴۴۶-۴۳۰.

کاشانی، مشفق. (۱۳۶۸). خلوت انس. چاپ اول، تهران: پاژنگ.

محمدبن‌منور. (۱۳۷۷). اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابی‌سعید. به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، جلد ۲، چاپ چهارم، تهران: نگاه.

میبدی، قاضی حسین‌بن‌معین‌الدین. (۱۳۷۶). منشآت میبدی. به تصحیح نصرت‌الله فروهر، چاپ اول، تهران: نقطه.

یغمای جندقی، میرزا رحیم. (۱۳۳۹). کلیات یغمای جندقی از روی طبع اعتمادالسلطنه، تهران: چاپ افست.

یوشیج، نیما. (۱۳۷۳). مجموعه کامل اشعار نیما یوشیج به فارسی و طبری، نیما. به کوشش سیروس طاهباز، چاپ سوم، تهران: نگاه.